

اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)

دکتر خلیل‌الله سردارنیا*

چکیده

فناوری‌های نوین ارتباطی در دهه ۱۹۹۰، به افزایش قدرت جنبش‌های اجتماعی جدید، در شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی جهانی، اعتراض‌ها و ایجاد چالش‌های جدی برای حکومت‌ها انجامیده‌اند. چنان‌که می‌توان گفت جنبش‌های اجتماعی جدید با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید رسانه‌ای، نقش بسیار مهمی در تحولات جامعه مدنی جهانی ایفا می‌کنند. در این مقاله، نخست، به کارکردهای مهم اینترنت در جنبش‌های اجتماعی، از حیث نظری پرداخته می‌شود و سپس، به منظور تأیید بحث‌های نظری، جنبش‌های اجتماعی زاپاتیستا، جنبش‌های اعتراضی علیه سازمان تجارت جهانی و گروه ۸ و نیز جنبش‌های صلح‌طلبانه، به اجمال بررسی می‌شوند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، اینترنت با قابلیت‌هایی همچون پست الکترونیک، وب سایت‌ها، اطلاع‌رسانی گسترده، شبکه‌سازی و هویت‌سازی، بر موفقیت این جنبش‌ها در تشویق و بسیج اعتراض‌ها در سطح جهانی، تأثیر قابل توجهی داشته است.

کلید واژه: اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید، جنبش‌های ضد جنگ، زاپاتیستا، سازمان تجارت جهانی، گروه ۸

مقدمه

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، استفاده از اینترنت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در کشورهای توسعه‌یافته و تا حدودی، در کشورهای در حال توسعه، گسترش یافته است و به دلیل تأثیر گسترده آن در زوایای گوناگون زندگی، اصطلاحاتی همچون «دهکده جهانی»، «آگاهی سیاره‌ای» و «پایان جغرافیا» در محافل دانشگاهی جهان امروز رواج یافته‌اند. امروزه گفته می‌شود که سیاست بر بال رسانه‌ها می‌چرخد؛ چنان که با گسترش استفاده بازیگران جامعه مدنی در سطوح ملی، فراملی، منطقه‌ای و جهانی از اینترنت، نقش‌آفرینی آن در تعاملات و چالش‌های سیاسی بیشتر نمایان می‌شود. اینترنت با جای دادن طیف گسترده‌ای از بازیگران و کنشگران سیاسی-اجتماعی، در فضای مجازی و سایبرنتیکی خود، از یکسو، ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، باورها و عقاید کنشگران اجتماعی گوناگون است و از سوی دیگر، منبعی مهم در ارائه آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و در نهایت برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراضی‌ها در جهان به‌شمار می‌رود. از این‌رو، می‌توان گفت که اینترنت، مهم‌ترین تجلی و نشانه قدرت نمادین، هویت‌سازی و تبلیغات در عصر جدید است و سیاست و تحولات سیاسی تا حد قابل توجهی به این رسانه فراگیر و جهانی وابسته است.

با وقوع پدیده «جهانی‌شدن»^۱، بویژه پیدایش ماهواره‌ها و اینترنت که از ابزارهای مهم آن هستند، بسترهای اولیه نوعی «جامعه مدنی جهانی»^۲ فراهم شده است که با سرعت قابل توجهی، در جهان توسعه یافته و تا حدی در جهان در حال توسعه، رو به گسترش است. جنبش‌های اجتماعی جدید و سازمان‌های غیردولتی^۳، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، از اجزاء و بازیگران مهم جامعه مدنی جهانی به‌شمار می‌روند. بنابراین در عصر جدید، ضرورت دارد که دولت‌ها با جامعه مدنی، در هر دو حوزه سرزمینی-ملی و جهانی به تعامل بپردازند و در قبال چالش‌ها، تقاضاها و مطالبات آنها پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشند. با پیدایش جامعه مدنی جهانی، می‌توان گفت که در

1. globalization 2. global civil society
3. non governmental organizations (NGO)

کنار حاکمیت سیاسی دولت-ملت‌ها، نوع جدیدی از حاکمیت یعنی حاکمیت بازیگران جامعه مدنی شکل گرفته و رو به گسترش است.

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، جنبش‌های اجتماعی جدید، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های اجتماعی - سیاسی با حضور در فضای مجازی از طریق استفاده از اینترنت و ماهواره، شهروندان معترض به سیاست‌های محلی، ملی و جهانی را بسیج کرده‌اند و به این ترتیب چالش‌ها و مخالفت‌هایی جدی، برای حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی ایجاد کرده‌اند. همچنین به عنوان بازیگران مهم جامعه مدنی جهانی، اعتراض‌ها را جهانی کرده‌اند و به منبع مهم شکل‌دهنده و تقویت‌کننده افکار عمومی رادیکال برای دموکراسی رادیکال و مشارکتی تبدیل شده‌اند.

از حیث تاریخی، پیشینه جنبش‌های اجتماعی به قدمت تاریخ جوامع است. در طول تاریخ، شورش‌ها و جنبش‌های اجتماعی متعددی از سوی بردگان، قومیت‌های نژادی، پیروان مذاهب، دهقانان و غیره رخ داده‌اند. از سده ۱۹ به بعد بود که واژه جنبش‌های اجتماعی به کار برده شد. جنبش‌های اجتماعی، تا دهه ۱۹۶۰ در زمره جنبش‌های کلاسیک یا قدیمی محسوب می‌شدند. نطفه‌های اولیه جنبش‌های اجتماعی جدید با تشکیل «جمعیت دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک» در سال ۱۹۵۹ بسته شد و به زودی به صورت جنبش‌های رادیکال در طیف چپ نو و با مشارکت دانشجویان در قالب جنبش‌های حقوق مدنی گسترش یافت. نخستین ایده مورد تأکید آنها، دموکراسی مشارکتی و آزادی بیان در دانشگاه‌ها بود. جنبش دانشجویی در اروپا و ایالات متحده آمریکا، در ۱۹۶۸ به اوج خود رسید و ماهیت جهانی یافت. برجسته‌ترین این جنبش‌ها، شورش ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه بود. مرحله جدی در سیر تکاملی جنبش‌های اجتماعی، از دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، پیرامون مسائلی همچون حقوق بشر، محیط زیست و تروریسم آغاز شد و در دهه ۱۹۹۰، با گسترش فناوری‌های ارتباطی جدید به سرعت گسترش یافت. از مهم‌ترین این جنبش‌ها می‌توان به جنبش‌های مدافعان محیط زیست، ضد تسلیحات هسته‌ای، فمینیستی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی اشاره کرد. با توجه به نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در هدایت و گسترش جنبش‌ها در سال‌های اخیر این مقاله، درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. تأثیر اینترنت بر جنبش‌های اجتماعی زاپاتیستا^۱، اعتراض علیه سیاست‌های سازمان تجارت جهانی^۲ و گروه ۸ و حمایت از جنبش‌های صلح‌طلبانه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، تا چه حد بوده است؟

۲. چرا اینترنت می‌تواند در موفقیت جنبش‌های اجتماعی جدید تأثیرگذار باشد؟ در پاسخ به دو پرسش یاد شده، فرضیه‌های زیر طرح می‌شود:

۱. اینترنت، از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، با بسیج اعتراض‌های جهانی، در موفقیت جنبش‌های اجتماعی یاد شده تا حد زیادی تأثیرگذار بوده است.

۲. اینترنت به دلیل برخورداری از قابلیت‌هایی همچون وب سایت‌ها، گروه‌های خبری، پست الکترونیک و پتانسیل بالای شبکه‌سازی می‌تواند در موفقیت جنبش‌های اجتماعی جدید در بسیج و گسترش اعتراض‌های جهانی تأثیرگذار باشد.

در مقاله حاضر، برای پاسخگویی به پرسش‌ها و بررسی فرضیه‌ها، نخست سعی شده است تأثیر اینترنت بر جنبش‌های اجتماعی در بسیج اعتراض‌های جهانی به اجمال توضیح داده شود و سپس، به منظور عینی‌تر شدن بحث نظری و فراهم آوردن شواهد عملی مربوط به آن، چند جنبش اجتماعی اعتراضی از جمله جنبش زاپاتیستا در ایالت چیپاس^۳ مکزیک^۴، جنبش اعتراضی علیه نشست سازمان تجارت جهانی در سیاتل^۵ آمریکا و «گروه ۸» و همچنین جنبش‌های اجتماعی صلح‌طلب و ضد جنگ مورد بررسی قرار گیرند.

روش تحقیق

در این پژوهش، روش تحقیق، از نوع اسنادی و بررسی مصداقی بوده است. داده‌ها و اطلاعات، با روش کتابخانه‌ای، بویژه با استفاده از مجله‌های معتبر انگلیسی گردآوری شده‌اند. بنابراین برای بررسی فرضیه نخست با توجه به منابع و اسناد موجود به کارکردهای خاص اینترنت همچون بسیج اعتراض‌ها، هویت‌سازی، شبکه و ائتلاف‌سازی و آگاهی‌رسانی به اجمال پرداخته و جهت آزمون فرضیه دوم نیز از نتایج مقالات معتبر در این زمینه و شواهد عینی مورد مطالعه آنها استفاده شده است.

1. Zapatista

2. World Trade Organization (WTO)

3. Chiapas

4. Mexico

5. Seattle

چارچوب نظری

تعریف جنبش‌های اجتماعی جدید و تمایز آنها با جنبش‌های اجتماعی کلاسیک

روشه^۱، جنبش‌ها را سازمانی می‌داند که به منظور دفاع، گسترش یا دستیابی به هدف‌های خاصی شکل گرفته‌اند (روشه، ترجمه وثوقی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴). از دید باتامور^۲، این جنبش‌ها عبارتند از: کوشش جمعی برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی در جامعه‌ای که خود [جمع] بخشی از آن جامعه را تشکیل می‌دهد (باتامور، ترجمه صبوری کاشانی، ۱۳۷۲). از نظر دیانی^۳ (۲۰۰۱، ص ۱۱۷) نیز جنبش‌های اجتماعی، به مثابه شبکه‌ای از روابط غیر رسمی بین افراد و سازمان‌های گوناگون هستند که از هویت جمعی مشخصی برخوردارند و منابع را در ارتباط با مسائل مورد مناقشه بسیج می‌کنند.

سه اصل مهم جنبش‌های اجتماعی از دیدگاه تورن^۴ عبارتند از: ۱. داشتن هویت، ۲. موضع‌گیری درباره چیزی یا موضوعی یا مخالفت با آن و ۳. همگانی و عمومی بودن (نقل از روشه، ترجمه وثوقی، ۱۳۶۸، صص ۱۶۷-۱۶۵).

مهم‌ترین وجوه تمایز جنبش‌های اجتماعی جدید از کلاسیک به اجمال عبارتند از:

۱. جنبش‌های کلاسیک از ماهیت طبقاتی یا وابستگی به گروهی خاص برخوردارند، در حالی که نوع جدید آنها، هویت‌محور، جمعی و غیر وابسته به طبقه‌ای خاص و ائتلافی از چند طبقه، قشر و هویت هستند. جنبش‌های جدید، پیرامون سیاسی شدن هویت‌ها و مسائلی مانند زنان، محیط زیست، صلح، حقوق بشر و قومیت‌ها سازمان یافته‌اند (دلپورتا^۵ و دیانی، ۱۹۹۹، صص ۱۶-۱۳).

۲. جنبش‌های جدید برخلاف نوع کلاسیک آنها، بیشتر بعد جهانی دارند تا ملی و محلی و دلمشغولی آنها مربوط به انسانیت به طور کلی و دشواری‌های مشترک آن، همچون تروریسم، آلودگی محیط زیست و غیره است.

۳. جنبش‌های جدید، به شدت به رسانه‌ها بویژه فناوری‌های نوین ارتباطی وابسته

1. Rochet

2. Bottomore

3. Diani

4. Thoren

5. Dellaporta

هستند و از این طریق به بسیج اعتراض‌ها و مشارکت در سطح جهانی مبادرت می‌ورزند؛ در حالی که جنبش‌های کلاسیک به رسانه‌های جمعی کلاسیک و ارتباطات چهره به چهره وابسته بوده‌اند.

۴. جنبش‌های کلاسیک به طور عمده خشونت‌آمیز بوده‌اند، حال آنکه جنبش‌های جدید، اغلب مسالمت‌آمیز و کمتر خشونت‌آمیز هستند (کالدور^۱، ۲۰۰۳، ص ۸۳).

۵. جنبش‌های جدید به طور عمده، به صورت شبکه‌ای برای برقراری پیوند و ائتلاف بین بازیگران گروهی و غیر دولتی و جنبش‌های دیگر در سطح جهانی عمل می‌کنند و کمتر سلسله‌مراتبی هستند و اغلب ساختاری باز و انعطاف‌پذیر دارند، حال آنکه نوع کلاسیک آنها بیشتر از خصلت شبکه‌ای درون گروهی و درون جنبشی برخوردار بوده‌اند تا بین جنبشی.

اینترنت و کارکرد آن در جنبش‌های اجتماعی جدید

با پیدایش اینترنت و ارتباطات دوربرد رایانه‌ای و گسترش آن، نوعی حوزه عمومی مجازی در فضای سایبرنتیکی شکل گرفته است. این حوزه عمومی، همانند شبکه تار عنکبوتی است که اطلاعات همچون خون یا انرژی برق در خطوط آن جریان دارد و در نقاط اتصال آن، بازیگران و کنشگران گوناگون، از جمله جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیر دولتی در سطح ملی و فراملی، احزاب و گروه‌های سیاسی بی‌شماری حضور دارند. اطلاعات به صورت تصاعدی در تار و پود شبکه عنکبوتی جاری است و آن اندازه اهمیت دارد که امروزه از اصطلاح «جنگ اطلاعاتی» بسیار استفاده می‌شود. مدافعان محیط زیست، حقوق بشر، صلح، زنان و اقلیت‌ها و مخالفان سرمایه‌داری نولیبرال و تسلیحات هسته‌ای، از نمونه‌های بارز جنبش‌های اجتماعی جدید هستند که در فضای سایبرنتیکی حضور برجسته‌ای دارند. فضای سایبرنتیکی، فضایی برای حضور مجازی کنشگران فردی و گروهی و نهادهای مختلف و تولید و انتقال اطلاعات و ارتباط بین آنهاست. اصطلاح «سایبردموکراسی^۲» برای اشاره به پیشبرد دموکراسی با

1. Kaldor

2. cyber democracy

کاربست اینترنت به کار می‌رود و بر بازتولید فضاهای گفتگو، اجتماعات مجازی و حوزه‌های عمومی مجازی متمرکز است که در آنجا، کنشگران اجتماعی همچون جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های سیاسی - اجتماعی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی گوناگون، به بحث و گفتگو و مناظره می‌پردازند و به طور اجمالی به توافق نظر می‌رسند (وگ^۱، ۲۰۰۳، ص ۴۷).

گفته شد یکی از تمایزهای اساسی جنبش‌های اجتماعی جدید از نوع کلاسیک آنها، این است که جنبش‌های جدید به شدت، رسانه‌ای هستند و بویژه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، به طور عمده به فناوری‌های جدید یعنی ماهواره‌ها و اینترنت وابسته شده‌اند. به نظر می‌رسد در چند سال اخیر، اینترنت نقشی حیاتی برای پیشبرد اهداف این بازیگران اجتماعی ایفا کرده است؛ چنان که می‌توان گفت اینترنت برای جنبش‌های اجتماعی جدید کارکردهای مهمی شامل شناختی، تبلیغاتی^۲، هویت‌سازی^۳، شبکه‌سازی^۴ و سازماندهی اعتراضات^۵ داشته است که به احتمال زیاد، در آینده تشدید خواهند شد. بخش بعدی مقاله حاضر، به توضیحاتی درباره این کارکردها اختصاص یافته است.

کارکرد شناختی و تبلیغاتی

از ویژگی‌های مهم اینترنت، سرعت بسیار بالای آن در انتقال اطلاعات و گزارش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. جنبش‌های اجتماعی از جمله کارگزارانی هستند که از اینترنت برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی بسیار شتابان پیرامون موضوعات، مسائل و دشواری‌های مشترک بشری همچون نقض حقوق بشر، آلودگی محیط زیست و تروریسم استفاده زیادی می‌کنند. این کارگزاران، با استفاده از این فناوری به اطلاع‌رسانی سریع پیرامون رویدادهای محلی مبادرت می‌ورزند و به این ترتیب آنها را جهانی می‌کنند. همچنین، اینترنت به عنوان ابررسانه، ابزار بسیار مهمی برای تبلیغ و اشاعه باورهای این کنشگران اجتماعی (همچون صلح‌طلبی، برابری حقوق زن و مرد، مخالفت با جنگ، دفاع از محیط زیست سالم) به‌شمار می‌رود.

1. Vegh

2. propaganda

3. identification making

4. network-making

5. organization of protests

هویت‌سازی

ایجاد هویت، مقدم بر کنشگری، سازماندهی و اعتراض است. جنبش‌های اجتماعی، ریشه در هویت‌های فردی و گروهی دارند. اینترنت از ظرفیت بسیار بالایی برای ایجاد هویت جمعی به نام جنبش‌های اجتماعی برخوردار است. با برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات و باورها در فضای سایبرنتیکی است که هویت‌های فردی و گروهی برخوردار از باورهای مشترک، می‌توانند یک جنبش اجتماعی را تشکیل دهند. دیانی (۲۰۰۱) بر این نظر است که ارتباطات دوربرد رایانه‌ای، بیشتر به تقویت هویت‌های موجود جنبش‌های اجتماعی کمک می‌کند تا ایجاد هویت‌های جدید (ص ۲۱). به نظر می‌رسد دیدگاه وی تا حد قابل توجهی درست باشد. هر چند اینترنت به پیدایش هویت‌های جدید، با عنوان جنبش‌های اجتماعی در محیط مجازی کمک کرده است، شواهد موجود حاکی از آن است که این کمک، بیشتر در جهت تقویت هویت جنبش‌های اجتماعی شکل گرفته در محیط واقعی جامعه، بوده است تا ایجاد جنبش جدید. البته تأثیر اینترنت را بر ایجاد هویت‌های گروهی کوچک در محیط مجازی نیز نمی‌توان نادیده گرفت؛ چنان‌که با گسترش اینترنت، سازمان‌های غیر دولتی بسیاری در محیط مجازی شکل گرفته‌اند.

شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف

یکی از ویژگی‌های مهم و نیز وجوه تمایز جنبش‌های جدید از کلاسیک، منطق شبکه‌سازی آنها در سطح جهانی یا فراملی است. شبکه‌سازی باعث شده است که امروزه، جنبش‌های اجتماعی نسبت به احزاب و گروه‌های ذی‌نفع، از قدرت اجتماعی بالایی برخوردار باشند. شبکه‌های اجتماعی، عبارت از روابط متقابل، پیوندهای درون سازمانی، باورها و هنجارهای مشترکی هستند که برای ایجاد انسجام در درون جنبش و جذب فعالان و هواداران اهمیت دارند. طبق دیدگاه دلاپورتا و دیانی (۱۹۹۹)، «افراد در صورتی به یک جنبش اجتماعی اعتراضی می‌پیوندند که شبکه جنبش، بین آن فرد و سایر افراد، پیرامون مسائل خاصی، پیوند، همدلی و حساسیت مشترک ایجاد کند یا افراد را مستعد و علاقه‌مند به شرکت در کنش جمعی سازد. این شبکه به افراد، نگرش‌ها، باورها، جهان‌بینی و فرهنگ سیاسی مشترک می‌دهد که نتیجه کلی آن ایجاد انسجام درون سازمانی است» (ص ۱۱۳).

یکی از کارکردهای بسیار مهم اینترنت، شبکه‌سازی و سازماندهی فعالان و هواداران در درون جنبش‌های اجتماعی است. در واقع، اینترنت از فرصت‌ها و امکانات بسیار مهم تکنیکی - ارتباطی برای جنبش‌هاست که از طریق آن به سازماندهی اعتراض‌ها پردازند. اینترنت با فشرده‌سازی زمان و مکان، سرعت ارتباطات و پیوندهای درون سازمانی بین فعالان و هواداران جنبش را که از حیث جغرافیایی از یکدیگر فاصله دارند، به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش داده است (راتلیج^۱، ۲۰۰۰، ص ۲۵). همچنین توانسته است پیوندهای ضعیف بین فعالان و اعضای جنبش را تقویت کند. انتقال باورها، آرمان‌ها، نهادها، اهداف و دغدغه‌های جنبش به اعضا از طریق اینترنت، در انسجام درون سازمانی و هماهنگ‌سازی کنش‌ها و فعالیت‌های اعتراضی بسیار مهم است.

اینترنت از سلسله مراتب سازمانی جنبش‌ها می‌کاهد، آنها را انعطاف‌پذیرتر می‌سازد و در را به روی فعالان و هواداران آنان بازتر و امکان اظهار نظر آنان را در سطح جهانی فراهم می‌کند (دلپورتا و موسکا^۲، ۲۰۰۵). تارو^۳ بر این باور است که اینترنت، بر سازماندهی روابط در جنبش‌های جدید اجتماعی تأثیر مهمی داشته است و ارتباطات چهره به چهره در جنبش‌های کلاسیک و مجراهای سازمانی متعارف پیشین را تا حد زیادی به ارتباطات مجازی و جهانی تغییر داده است (نقل از دلپورتا و موسکا، ۲۰۰۵، ص ۱۶۹).

سازماندهی اعتراضات

به نظر می‌رسد که امروزه با کاهش اعتماد عمومی به احزاب سیاسی، جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی، نقش مهمی در سازماندهی رفتارهای اعتراضی و بیان اعتراض‌ها در جوامع دموکراتیک دارد. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، اینترنت در تشویق و سازماندهی اعتراض‌های گسترده ملی، منطقه‌ای و جهانی، چه به صورت برخط^۴، در فضای سایبرنتیکی و چه به صورت واقعی، در جوامع مختلف بسیار مؤثر بوده است. اینترنت با اطلاع‌رسانی سریع درباره مسائل حاد جامعه بشری، انتقال نمادهای اعتراضی و تحریک احساسات، به کنش‌های اعتراضی گسترده دامن زده است.

1. Routledge

2. Mosca

3. Tarrow

4. online

امروزه جنبش‌های اجتماعی جدید، از طریق قابلیت‌های مختلف اینترنت همچون پیام‌نگارها، گروه‌های خبری، نشریات الکترونیکی، وب‌سایت‌ها و مانند آن، در سطح وسیع و جهانی به اطلاع‌رسانی می‌پردازند، مسائل حاد بومی و محلی را جهانی می‌کنند و از این رهگذر برای این مسائل، هواداران جهانی ایجاد می‌کنند.

مهم‌تر از همه، شبکه‌سازی جنبش‌های اجتماعی از طریق اینترنت است که از یکسو، به جذب هواداران بیشتر و انسجام درونی و از سوی دیگر، به ایجاد ائتلاف بین آنها و سایر بازیگران اجتماعی منجر می‌شود. هر دو این موارد، با فراهم آوردن فرصت‌های مهم سیاسی می‌توانند زمینه‌ساز گسترش رفتارهای اعتراضی در سطح جهانی شوند؛ چنان که با نبود این شبکه‌سازی، احتمال ناکامی و استمرار نیافتن جنبش‌های اعتراضی بسیار بالا خواهد بود. فضای سایبرنتیکی از قابلیت‌های بالا برای جستجوی هم‌تایان، ایجاد ائتلاف و هماهنگ‌سازی اهداف و تاکتیک‌های مبارزاتی برخوردار است.

به تعبیر تورن، در جهان مدرن، بدون بحث و گفتگوی دموکراتیک در حوزه عمومی، فرهنگ دموکراتیک، انتقادی و اعتراضی نمی‌تواند شکل گیرد (تسالیکی^۱، ۲۰۰۳، ص ۹۶). شایان ذکر است که در چند سال اخیر، جنبش‌های اجتماعی با استفاده از فناوری‌های ارتباطی جدید، بویژه اینترنت توانسته‌اند افکار عمومی را شکل دهند، آگاه سازند یا علیه مسئله خاصی جهت دهند. به تعبیر برخی، فناوری اینترنتی، جنبش‌ها را قادر می‌سازد که موضوعات حاد جامعه بشری و نارضایتی‌ها را به دادگاه جهانی افکار عمومی بکشاند (کلایپینگ^۲ و نوسال^۳، ۲۰۰۱، ص ۴۴۶).

در سال‌های اخیر، اینترنت به تشکیل بسترهای اولیه جامعه مدنی جهانی، با حضور کنشگران جمعی جهانی همچون جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی کمک کرده است و امید می‌رود که این امر در آینده بیشتر گسترش یابد. به تعبیری دیگر، امروزه نقش‌آفرینی جدی جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی در دو عرصه اینترنتی و غیر اینترنتی باعث شده است موضوع سیاست جهانی، از صرف تعاملات بین دولت‌ها و نیز سازمان‌های بین‌المللی دولتی فراتر رود و این بازیگران جدید، به تعاملات جدید در سیاست جهانی افزوده شوند (کالدور، ۲۰۰۳، ص ۷۹).

1. Tsaliki

2. Clapping

3. Nossal

در مجموع، جنبش‌های اجتماعی با استفاده از قابلیت‌های اینترنت همچون پیام‌نگارها، گردهمایی‌های اینترنتی، ارتباطات دوسویه با فعالان، وب سایت‌ها، گروه‌ها و نشریات خبری، نظرخواهی اینترنتی و گردآوری امضا برای طومارها توانسته‌اند تا حد زیادی بر بسیج رفتارهای اعتراضی مانند تحصن‌ها، راهپیمایی‌ها و گردهمایی‌ها در جوامع امروزی تأثیرگذار باشند. اینترنت همچنین می‌تواند مجرای مهمی برای گروه‌های در حاشیه مانده سیاسی و رفتارهای اعتراضی آنها باشد.

پیشنهاد یک مدل زمینه‌گرا پیرامون تأثیر اینترنت بر بسیج اعتراض‌ها

در این قسمت، یک مدل زمینه‌گرا درباره تأثیر اینترنت بر بسیج اعتراض‌ها، چه به صورت برخط و چه به شکل مشارکت مرسوم و متداول، ترسیم می‌شود (جدول ۱). منظور از مدل زمینه‌گرا این است که در بررسی تأثیر اینترنت بر بسیج اعتراض‌ها و درگیر شدگی سیاسی نمی‌توان تنها به عامل اینترنت اکتفا کرد، بلکه بررسی و توجه به متغیرها در سطوح کلان جامعه و ویژگی‌های فردی کاربران نیز ضرورت دارد.

در سطح کلان باید به سه متغیر زمینه‌ای توجه داشت. هر چقدر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی کشور در زمینه‌های مختلف مانند آموزشی و ارتباطی و همچنین زیرساخت‌های ارتباطات الکترونیکی - مخابراتی بیشتر باشد، میزان دسترسی به اینترنت و ضرورت دسترسی به آن بیشتر می‌شود. از سوی دیگر هر چقدر سطح توسعه‌یافتگی سیاسی و دموکراسی در کشور بالاتر باشد، میزان دسترسی به اینترنت افزایش می‌یابد و موانع این دسترسی کمتر می‌شود. چالش‌ها و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی، جهانی و منطقه‌ای نیز به عنوان متغیر زمینه‌ای کلان، علاقه‌مندی به کسب اطلاعات اینترنتی و درگیر شدگی سیاسی در این زمینه را افزایش می‌دهد.

در سطح محیط برخط، متغیرهای زمینه‌ای در میزان استفاده از اینترنت عبارتند از: جذابیت‌های سیاسی اطلاعاتی در محیط اینترنت، چه از حیث اطلاعات سیاسی و چه از حیث حضور مجازی نهادهای مدنی و سیاسی، رسانه‌های جمعی، سازمان‌های بین‌المللی، جنبش‌های اجتماعی جدید و غیره در این محیط.

در سطح فردی، میزان تأثیر اینترنت بر سطح آگاهی و دانش سیاسی و رفتار اعتراضی، به ویژگی‌های مختلف کاربران بستگی دارد. بسته به این متغیرها و مشخصات

زمینه‌ای، سطح تأثیرپذیری کاربران از اینترنت تفاوت خواهد داشت. به این ترتیب که هر چه سطح درآمد، فرصت دسترسی و مهارت‌های اینترنتی و زبانی کاربران بیشتر باشد در مقایسه با کاربران دیگر، تأثیر بیشتری از اینترنت می‌پذیرند. همچنین جوان بودن کاربر و تحصیلات بالا بر افزایش میزان استفاده از اینترنت تأثیر می‌گذارد. افزایش میزان اعتماد، هدفمندی سیاسی در استفاده از این فناوری، افزایش علاقه‌مندی سیاسی، تجربه فعالیت سیاسی پیشین و سهولت دسترسی به اینترنت می‌تواند میزان تأثیرپذیری کاربران از اینترنت را بالا ببرد و تفاوت سطوح این تأثیرپذیری را نیز توضیح دهد.

جدول ۱- مدل زمینه‌گرا درباره نقش متغیرهای مختلف در تأثیرگذاری اینترنت بر بسیج اعتراض‌ها

متغیرها		
کلان	اینترنتی	فردی
۱. میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی- اجتماعی	۱. حضور قوی جنبش‌های اجتماعی در محیط برخط	۱. منابع (درآمد، مهارت‌های اینترنتی، زبانی و ...)
۲. میزان توسعه‌یافتگی در ارتباطات الکترونیک و اینترنت	۲. ایجاد و استفاده از نشریات و روزنامه‌های برخط وابسته، وب سایت‌ها، وب لاگ‌ها، پست‌های الکترونیک، تریبون‌های برخط و غیره	۲. مشخصات جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، نژاد و ...)
۳. میزان توسعه‌یافتگی سیاسی	۳. ائتلاف جنبش‌ها با سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و احزاب و گروه‌ها برای هماهنگ ساختن فعالیت‌ها در محیط برخط و غیر برخط	۳. میزان و سهولت دسترسی به اینترنت
۴. چالش‌ها و بحران‌های سیاسی- اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی	-	۴. هدفمندی در استفاده سیاسی
-	-	۵. علاقه‌مندی سیاسی
-	-	۶. تجربه پیشین فعالیت‌های سیاسی فردی، حزبی و گروهی
-	-	۷. میزان اعتماد به اینترنت و منابع اطلاع‌رسانی

در مجموع، با فراهم بودن متغیرها و شرایط زمینه‌ای یاد شده در سطح مطلوب، میزان آگاهی سیاسی و نگرش‌های دموکراتیک کاربران افزایش می‌یابد و به تبع آن، علاقه‌مندی آنان به امور سیاسی، کسب اطلاعات در این زمینه و امید به اثربخشی فعالیت‌های سیاسی افزایش می‌یابد که به این ترتیب، برون‌داد نهایی، افزایش درگیر شدگی یا بسیج اعتراض‌ها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی خواهد بود (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج سیاسی استفاده کاربران از اینترنت

۱. افزایش دانش و آگاهی سیاسی اعضا و فعالان جنبش‌ها
۲. هویت‌سازی و برقراری اتحاد در میان معترضان در سطح جهانی، پیرامون موضوعات و مشکلات گوناگون
۳. پیوند فعالان جنبش‌ها با یکدیگر و با توده‌ها در محیط برخط و غیر برخط
۴. بسیج اعتراض‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی

به منظور تبیین هر چه بهتر کارکردهای اینترنت و نقش آن در هدایت و پیشبرد جنبش‌های اجتماعی، بخش بعدی مقاله حاضر به بررسی مصداقی کاربرد اینترنت در جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌های جهانی اختصاص یافته است.

اینترنت و جنبش زاپاتیستا در مکزیک

جنبش زاپاتیستا، یکی از نخستین نمونه‌های عینی قابل توجه از جنبش‌های اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ است که به بهترین وجه ممکن، از اینترنت و قابلیت‌های آن در جهت پیشبرد اهداف خود و بسیج هواداران استفاده کرد. شاید بتوان گفت این جنبش نشان داد که توده‌های فقیر می‌توانند با ابزار خواسته‌های خود به افکار عمومی بین‌المللی، بر سیاست‌های حکومت تأثیرگذار باشند (سرونز^۱، ۱۹۹۹، ص ۷۵).

در نخستین روز ژانویه ۱۹۹۴، ارتش آزادی‌بخش ملی زاپاتیستا که به طور عمده متشکل از سرخ‌پوستان محلی بود - هفت شهر ایالت چیپاس مکزیک را اشغال کرد و پس از آن، این جنبش که تکانه یا شوک مهم و غیرمنتظره‌ای برای حکومت مکزیک

بود، اعلام موجودیت کرد. تلقی اولیه دولت مکزیک این بود که این تهدید علیه تمامیت ارضی مکزیک است و ممکن است به ایالت‌های جنوبی و مرکزی برسد. پس از چند روز، با مداخله ارتش، شورشیان زاپاتیست با ۱۴۵ نفر کشته از شهرهای اشغالی به سمت جنگل، عقب‌نشینی کردند و سپس از سوی حکومت، آتش‌بس اعلام شد. هدف اولیه اعتراض، مخالفت با سیاست‌های حکومت مکزیک درباره ایالت چیپاس بود. سخنگوی اصلی این جنبش که یکی از طولانی‌ترین شورش‌های دهقانی در مکزیک به‌شمار می‌رود، مارکوس^۱ بود. تقاضاهای مهم این جنبش عبارت بودند از: خودمختاری برای بومیان ایالت چیپاس، توجه به حقوق بومی‌ها و حقوق زنان، مخالفت با توافقنامه تجارت آزاد منطقه آنلانتیک شمالی (پیمان نفتا^۲) و جلوگیری از کشانده شدن اقتصاد نولیبرال به مکزیک، فراهم کردن تسهیلات برای بومیان در زمینه مسکن و بهداشت، آموزش، اشتغال و زمین و برقراری عدالت، آزادی، دموکراسی و مشارکت در سطح ملی (فروئلینگ^۳، ۱۹۹۷، صص ۲۹۸-۲۹۷). یکی از عوامل شتاب‌زا برای آغاز این جنبش، تصمیم رئیس‌جمهور وقت مبنی بر خصوصی کردن زمین‌های حاصلخیز دولتی و فروش آن به بالاترین پیشنهاددهندگان در مزایده در ایالت چیپاس بود. این جنبش، در حقیقت، برای اعاده حقوق بومیان، خودمختاری، عدالت اجتماعی و مخالفت با جهانی شدن اقتصاد نولیبرال و گسترش آن به مکزیک بود. جالب آنکه آغاز این جنبش با افتتاح پیمان نفتا در اول ژانویه ۱۹۹۴ همزمان شد. این جنبش به عنوان مانع مهمی در مقابل اجرایی شدن توافقنامه نفتا ظاهر شد، زیرا دستور کار این سازمان، با روح ضد سرمایه‌داری این جنبش در تناقض بود (بورچ^۴، ۲۰۰۲، ص ۳۵)؛ چنان که جنبش زاپاتیستا به نفتا، به مثابه ناقوس مرگ بومیان چیپاس می‌نگریست. زاپاتیست‌ها در پاسخ به حملات نظامی خشونت‌بار حکومت، سعی کردند با رسانه‌ای کردن این موضوع و استفاده از اینترنت، اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند. به گفته بسیاری از تحلیلگران رسانه‌ای، جنبش زاپاتیستا مصداق عینی استفاده رادیکال و گسترده از اینترنت بود. زاپاتیستا دریافتند که تنها راه موفقیت و رسیدن به

1. Marcous

2. NAFTA

3. Froehling

4. Burch

اهداف، کسب هواداری و پشتیبانی جهانی است. رسانه‌ای و اینترنتی شدن این جنبش، مانع از تلافی‌جویی افراطی و تند حکومت شد. اینترنت در بین‌المللی کردن این جنبش به سرعت، نقش خود را ایفا کرد. در ابتدا، از اینترنت برای انتقال و اشاعه سریع اطلاعات پیرامون وضع نامطلوب بومیان سرخ‌پوست ایالت چیپاس و سرکوب آنها از سوی حکومت استفاده شد. فعالان این جنبش و حامیان آن در جهان، گزارش‌های متعددی را از طریق اینترنت به صورت سیل‌آسا پخش کردند (کلیور^۱، ۲۰۰۲، ص ۴). به همین دلیل نیز وزیر خارجه مکزیک اعلام کرد که این جنگ، یک جنگ اینترنتی بود (سرونز، ۱۹۹۹، ص ۷۶).

شبکه اینترنت برای گروه کوچک زاپاتیستا در جامعه مکزیک، یک تریبون ملی و بین‌المللی فراهم کرد و افکار عمومی جهانی را در هواداری از زاپاتیستا و در مخالفت با حکومت مکزیک بسیج کرد، به عبارت بهتر، موضوع محلی زاپاتیستا را جهانی ساخت و به دادگاه افکار عمومی جهانی کشاند. نکته جالب آن است که نقش‌آفرینی اینترنت از این جهت حیرت‌انگیز بود که دسترسی به اینترنت در ایالت چیپاس فقیرنشین، بسیار محدود بود و تنها در دو شهر، مرکز اینترنتی وجود داشت و بیشتر روستاها ارتباطات تلفنی نداشتند و دهقانان به سختی از اوضاع کشور خود آگاه بودند (فرونلینگ، ۱۹۹۷، ص ۲۹۱). با این حال، رهبران جنبش و مارکوس سخنگوی آن، از طریق ارتباط با فعالان شهرهای دیگر، وب سایت‌هایی را برای جنبش ایجاد کردند و از آن طریق به اطلاع‌رسانی پرداختند.

در مرحله نخست، اینترنت به طور عمده، از سوی دانشگاهیان برای اطلاع‌رسانی پیرامون کشمکش‌ها و خاستگاه زاپاتیستا استفاده شد. پس از آن، اطلاعات و گزارش‌های مرتبط با این جنبش، از طریق پست الکترونیک، خبرنامه‌ها و وب سایت‌ها در جهان اشاعه یافت. فعالان زاپاتیستا از یکسو، از اینترنت برای اطلاع‌رسانی پیرامون این جنبش و عمومی کردن آن در حد گسترده استفاده کردند و از سوی دیگر، از قابلیت شبکه‌ای ساختن اینترنت برای ایجاد ائتلاف و جلب همکاری گروه‌ها و جنبش‌های ضد سرمایه‌داری نولیبرال و ضد توافقنامه نفتا بهره بردند. فعالان جنبش دریافتند که محدود شدن جنبش به مکزیک و ایالت چیپاس، شکست را به عنوان سرنوشت حتمی برای

آنها به ارمغان می‌آورد، به همین دلیل، بیشترین توجه خود را بر جنگ اینترنتی متمرکز کردند. پشتیبانی افکار عمومی جهانی و ائتلاف با جنبش‌های مشابه در امریکای مرکزی و لاتین، به تظاهرات ۷۵۰ هزار نفری در مکزیکوسیتی به نفع این جنبش انجامید و به دنبال آن، حکومت دستور توقف عملیات و خودداری از بازداشت رهبران و فعالان این جنبش را صادر کرد. به دنبال آن، مذاکراتی در تابستان ۱۹۹۹ انجام شد و حکومت فدرال وعده داد که حقوق بومی‌ها را رعایت کند و سازمانی سیاسی به این منظور شکل گیرد (فروئلینگ، ۱۹۹۷، ص ۲۸۶).

تلاش زاپاتیستا برای همراه‌سازی جنبش‌های دیگر، به دو گردهمایی بین قاره‌ای در سال ۱۹۹۶ انجامید که نخستین آن در چیپاس و دومین آن در اسپانیا تشکیل شد. در هر یک از این گردهمایی‌ها، بین سه تا چهار هزار نفر شرکت کردند. انگیزه مشترک برای تشکیل این گردهمایی‌ها، نگرانی مشترک درباره سیاست‌های اقتصادی جهانی و نولیبرال و پیامدهای منفی آن بود. زاپاتیستا همچنین، یک همه‌پرسی ملی غیر رسمی و غیر الزام‌آور را در خصوص حقوق مردم بومی در ۲۱ مارس در ۱۹۹۹ برگزار کردند و ۹ هزار صندوق در سراسر کشور مکزیک تدارک دیدند (سرونز، ۱۹۹۹، ص ۷۸).

فعالان زاپاتیست همچنین تعدادی وب سایت راه‌اندازی کردند تا از این طریق، اطلاعات و تصاویر به روز از رویدادهای مربوط به این جنبش و برخورد حکومت با آنها را انعکاس دهند. این وب سایت‌ها و برخی دیگر از وب سایت‌هایی که گروه‌های دیگر ایجاد کردند، منجر به جلب پشتیبانی و هواداری از این جنبش شدند. برای مثال، این جنبش در ایتالیا سطح بالایی از حمایت‌های سیاسی و مالی سیاستمداران برجسته، اتحادیه‌های کارگری و رهبران سیاسی را جلب کرد. کلیساها، گروه‌های حقوق بشر، گروه‌های سیاسی چپ‌گرا و برخی سازمان‌های غیر دولتی نیز از این جنبش پشتیبانی کردند (فروئلینگ، ۱۹۹۷، ص ۳۰۱).

در فوریه ۱۹۹۷ برای حمایت از اصلاحات در قانون اساسی مکزیک و به منظور تحقق خواسته‌های این جنبش در مقابل ۳۶ کنسولگری مکزیک در امریکا، راهپیمایی شد. روزنامه‌های ایتالیا، اعتراض‌ها و طومارهای تکمیل شده‌ای را علیه دولت مکزیک انتشار دادند و در امریکا، کاروان‌های کمک‌های مالی و مواد غذایی به سمت ایالت چیپاس روانه شدند. این حرکت‌ها، تلاش حکومت مکزیک را برای اقدام علیه جنبش

زاپاتیستا در فضای سایبرنتیکی خنثی کرد (همان منبع، ص ۳۰۳). این مصادیق، حاکی از دگرذیسی جنگ فیزیکی و واقعی در ایالت چیپاس، به سمت جنگ سایبرنتیکی هستند که توانست کنترل و نظارت شدید دولت بر رسانه‌های کلاسیک و انحصار اطلاعاتی در مکزیک را بشکند.

در نتیجه این پشتیبانی‌ها در فضای سایبرنتیکی و فضای غیر اینترنتی از سوی افکار عمومی، جنبش‌ها و سازمان‌های غیر دولتی بود که تلاش حکومت برای سرکوب نظامی این جنبش در فوریه ۱۹۹۵، به شکست انجامید. با وجود توافقات اولیه بین حکومت و زاپاتیستا در ۱۹۹۶، مفاد آن به تصویب نهایی نرسید. تلاش بعدی مارکوس سخنگوی این جنبش، شرکت در کمیسیون صلح کنگره‌ای در کوبا، در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۸ بود. به دنبال این تلاش‌ها در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸، قانونی برای عفو و خلع سلاح گروه‌های زاپاتیستی در ازای تحویل اسلحه به تصویب رسید و به این گروه‌ها، کمک‌های مالی پیشنهاد شد. این کمک‌ها در مورد گروه‌هایی تأیید شد که سلاح‌های خود را ظرف ۱۲۰ روز تحویل می‌دادند. چهارده گروه زاپاتیست اسلحه‌های خود را تحویل دادند.

در ۱۲ آوریل ۱۹۹۹، فرماندار وقت چیپاس، سیاست آشتی و شکیبایی را اعلام کرد و دستور بازداشت‌هایی را که در جریان بود، لغو کرد. پلیس دولتی نیز روستایی را که خاستگاه قیام زاپاتیستا محسوب می‌شد و طی این جریان تخریب شده بود، بازسازی کرد و مردم، شهردار خود را انتخاب کردند. این روستا تبدیل به یک نماد بین‌المللی شد و با توجه به اینکه این رویداد، با شرکت نخست‌وزیر مکزیک در اجلاس نفتا همزمان شده بود، رئیس‌جمهور در این اجلاس اعلام کرد که مسئله چیپاس را به صورت مسالمت‌آمیز حل خواهد کرد. در مجموع، زاپاتیستا با رسانه‌ای کردن اعتراض‌های خود بر پویایی فرایندهای سیاسی در مکزیک و تحقق اهداف خود تا حد قابل توجهی جامه عمل پوشاندند و به خودگردانی محلی دست یافتند.

اینترنت و سازماندهی اعتراض علیه سازمان تجارت جهانی

در این قسمت، به اجمال، به استفاده جنبش‌های اجتماعی از اینترنت، برای سازماندهی به اعتراض‌هایی پرداخته می‌شود که علیه نشست سران سازمان تجارت جهانی در سیاتل امریکا، در نوامبر و دسامبر ۱۹۹۹ صورت گرفت. این سازمان در نشست دور

اورگوئه^۱ (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) در سال ۱۹۹۵، تأسیس شد. پس از جنبش زاپاتیستا، اعتراض علیه این نشست، در سیاتل، دومین اعتراض بزرگی بود که جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی، در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به راه انداختند. هر دو جنبش، مخالف با جهانی شدن اقتصاد سرمایه‌داری نولیبرال بودند.

در اعتراض به این نشست، در سیاتل مرکز رسانه مستقل^۲ تأسیس شد. این مرکز، به شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف گسترده، بین جنبش‌های عدالت اجتماعی، مدافعان محیط زیست و اتحادیه‌های کارگری اقدام کرد که به جنبش ضد سرمایه‌داری شهرت یافت. از طریق این شبکه اینترنتی، صدها گزارش تصویری و متنی به جهان مخابره و ارسال شد (آتون^۳، ۲۰۰۳، ص ۷). با تأسیس این شبکه اینترنتی، جریان ارتباطی از «فرستندگان بسیار به گیرندگان بسیار»^۴ جای جریان ارتباطی از «یک فرستنده به گیرندگان بسیار»^۵ را گرفت.

سازمان‌های وابسته به جنبش‌های اجتماعی در سیاتل، علیه برنامه‌های نولیبرال سازمان تجارت جهانی برای خصوصی‌سازی و همچنین استیلای نولیبرالیسم اعتراض کردند. تعداد قابل توجهی از شرکت‌کنندگان در این اعتراض، از طریق اطلاع‌رسانی اینترنتی جنبش‌های اجتماعی گرد آمده بودند. این جنبش‌ها، مشروعیت سازمان تجارت جهانی را در هدایت تجارت و اقتصاد جهانی با تردید رو به رو کردند و مدعی شدند پنجاه سال تخریب استانداردهای زیست‌محیطی و آسیب‌های وارد به کارگران به عنوان نتایج اجرای سیاست‌های این سازمان کافی است (کوبرن^۶، ۲۰۰۲، ص ۹۸).

«شبکه اقدام جهانی مردم»^۷ شبکه‌ای برای همگرایی جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های مقاومت ضد سرمایه‌داری در فضای سایبرنتیکی، در مقابل جهانی شدن اقتصاد نولیبرال بود. این شبکه، در فوریه ۱۹۹۶ تأسیس شد و با اطلاع‌رسانی به موقع، گروه‌هایی از افراد را در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، به اعتراض علیه نشست اعضای سازمان یاد شده، در سیاتل تشویق و تحریک کرد. از جمله می‌توان به نشست اعتراضی

1. Orogoe

2. independent media center

3. Atton

4. many to many

5. one to many

6. Coburn

7. People's Global Action Network

«گروه دهقانان بدون زمین در برزیل»، «جنبش بقای مردم نیجریه»، «جنبش دهقانان فیلیپین»، «سندینست‌های نیکاراگوئه و شبکه زنان بومی در کشور اسپانیا اشاره کرد. این نشست، بیانیه‌ای علیه شرکت‌های فراملی، برای پایان دادن به جهانی‌شدن صادر کرد. شبکه اقدام جهانی مردم، در هماهنگ‌سازی مشارکت‌کنندگان در اعتراض علیه نشست سران سازمان تجارت جهانی در سیاتل نیز تأثیرگذار بود (راتلیج، ۲۰۰۰، ص ۲۶).

فعالان سیاسی جنبش‌های اجتماعی، از طریق پست الکترونیک توانستند نمایندگان و فعالان تعداد قابل توجهی از گروه‌ها را در سیاتل گرد آورند، از جمله می‌توان به حضور نمایندگان سازمان‌ها یا اتحادیه‌های کارگری برخی کشورها، نمایندگان جنبش راست رادیکال پوپولیست^۱ در اروپای غربی و شمالی، نمایندگان گروه‌ها و جنبش‌های زیست‌محیطی، حقوق بشر و طرفداران صلح اشاره کرد. با اطلاع‌رسانی اینترنتی و استفاده فعالان از پیام‌نگار، هزاران کانادایی به سیاتل مسافرت کردند و دست به راهپیمایی و نافرمانی مدنی در اعتراض به این سازمان زدند. وب سایت‌ها در هماهنگ‌سازی اعتراض‌ها و شعارها نقش قابل توجهی ایفا کردند و اینترنت پیوند فعالان کانادایی را با شبکه‌هایی همچون شبکه «شهروندی عمومی» در ایالات متحده و «شبکه جهان سوم» در آسیا بر عهده داشت. فعالان کانادایی بیانیه‌ای را با این عنوان که «جهان ما برای فروش به سازمان تجارت جهانی نیست» امضا و از طریق اینترنت و وب سایت‌های خود پخش کردند (اسمیت^۲، ۲۰۰۳، صص ۱۹۳-۱۹۲).

علاوه بر شبکه‌ها و سایت‌های اینترنتی یاد شده، چند سایت دیگر نیز در گردآوری فعالان جنبش‌ها در سیاتل و در دیگر نقاط جهان، در اعتراض به این سازمان تأثیرگذار بودند که عبارتند از: «سایت تحصن الکترونیک» در کانادا و «سایت الکترونیکی هیپی‌ها». این سایت به ترتیب، ۱۳۷ هزار و ۴۵۰ هزار پیام‌نگار به فعالان سراسر جهان برای مشارکت در این اعتراض ارسال کردند (پارک^۳، ۲۰۰۱، صص ۱۳۵-۱۳۰).

اینترنت و جنبش‌های اجتماعی در اعتراض به نشست «گروه ۸» در ژنو

در زمینه تأثیر اینترنت و استفاده از امکانات آن در اعتراض علیه نشست گروه ۸، به

1. populist

2. Smith

3. Park

طور عمده، بر داده‌های جمع‌آوری شده از سوی دلاپورتا و موسکا (۲۰۰۵) تمرکز می‌شود. این دو، در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که سازمان‌های جنبش‌های اجتماعی، برای اعتراض علیه گروه ۸، به نحوی گسترده از اینترنت استفاده کرده‌اند. وب سایت‌ها و پیام‌نگارهای جنبش‌های اجتماعی، نقش مهمی در تقویت مشارکت اعضا و فعالان آنها در راهپیمایی‌های اعتراضی علیه این گروه در جولای ۲۰۰۱ در ژنو داشته‌اند. این اعتراض، هم به صورت واقعی و هم به صورت مجازی، در فضای سایبرنتیکی انجام شد. به باور این دو پژوهشگر، شبکه جهانی اینترنت، نقش بسیار قابل توجهی در بسیج پشتیبانی جهانی از این اعتراض ایفا کرد. عواملی مانند چند زبانه بودن وب سایت‌های جنبش‌های اعتراضی، انتشار مستمر شکوایه‌ها و اعتراض‌ها و امکان برقراری ارتباط دوسویه بین فعالان این جنبش‌ها و مراجعه‌کنندگان به این وب سایت‌ها، تأثیر قابل توجهی بر تشویق مشارکت فعالان و هواداران در این اعتراض، داشته است. چنان که ۵۶ درصد از مشارکت‌کنندگان در این اعتراض، اعلام کردند که به طور مرتب، از اینترنت برای دریافت پیام‌های تشویقی جهت مشارکت استفاده کرده‌اند. تریبون‌های برخط و فهرست پیام‌نگارهای ارسالی نیز در هماهنگ‌سازی و تشویق به مشارکت در اعتراض یاد شده، مؤثر بوده است.

این دو محقق در مطالعه خود، همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده سیاسی از اینترنت، بیشتر در میان فعالان جنبش‌ها استمرار داشته تا در میان اعضا و هواداران عادی. داده‌های آنان نشان می‌دهد اعتراض‌های اینترنتی و غیر اینترنتی، به طور قوی با یکدیگر مرتبط بوده و همدیگر را تقویت کرده‌اند. برای مثال، امضاکنندگان شکایت‌ها و تومارهای برخط، به احتمال زیاد، از امضاکنندگان تومارها در وضعیت واقعی و غیر اینترنتی نیز بوده‌اند. البته شایان ذکر است که اینترنت، در رفتارهای اعتراضی بعدی، علیه گروه ۸ کشور صنعتی در انگلستان، آلمان و اسکاتلند نیز تأثیر قابل توجهی داشته است. در استرالیا، مبارزه علیه «توافقنامه چند جانبه برای سرمایه‌گذاری»^۱ به شدت به اینترنت متکی بود. استفاده از وب سایت‌های مختلف و پست الکترونیکی در ایجاد ائتلافی از جنبش‌های راست افراطی پوپولیستی، چپ افراطی، راست میانه و چپ میانه،

1. multilateral agreement for investment

علیه توافقنامه یاد شده در استرالیا، تا حد قابل توجهی مؤثر بوده است (کلایپینگ، و نوسال، ۲۰۰۱، ص ۴۵۲).

اینترنت و جنبش‌های اجتماعی صلح‌طلب یا ضد جنگ

در اوایل دهه ۱۹۸۰، جنبش‌های صلح‌طلبانه در اروپای غربی، در پاسخ به تصمیم ناتو^۱ در خصوص آرایش نسل جدیدی از تسلیحات هسته‌ای در اروپا به نام موشک‌های کروز^۲ و پرشینگ^۳ و برنامه پیشنهادی حکومت ریگان^۴، با عنوان «جنگ ستارگان»، در زمان جنگ سرد رخ دادند. البته حتی جنبش‌های صلح‌طلب، به چند دهه پیش‌تر، یعنی به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، از جمله در مخالفت با جنگ ویتنام برمی‌گردند. در سال ۱۹۸۱ در گرینهام^۵، پنج میلیون نفر علیه آرایش موشکی تظاهرات کردند و این رویداد، در پاییز سال ۱۹۸۳ تکرار شد (کالدور، ۲۰۰۳، ص ۵۹).

پس از پایان جنگ سرد، در دهه ۱۹۹۰، تعداد جنبش‌های صلح‌طلب افزایش یافت و بین آنها و سایر جنبش‌ها، ائتلاف و همکاری ایجاد شد و به دنبال آن، جنبش‌های صلح، فراگیر و رادیکال‌تر شدند. در نتیجه این ائتلاف‌ها، همه جنبش‌های اجتماعی از جمله طرفداران محیط زیست، حقوق زنان، حقوق بشر و غیره شعار صلح‌طلبی سر دادند. برای مثال، «مرکز اقدام بین‌المللی»، سازمانی است که در ۱۹۹۲، از سوی تعدادی از فعالان ضد جنگ ایجاد شد و هدف آن، انسجام و یکسان‌سازی تقاضاها برای پایان دادن به جنگ، نژادگرایی، سکس‌گرایی، فقر و مخالفت با نظامی‌گری امریکا در سراسر جهان بود (کارتی^۶ و اونیت^۷، ۲۰۰۶، ص ۲۴۱).

حادثه یازده سپتامبر، آسیب‌پذیری شدید همه دولت‌ها را در برابر تروریسم به مثابه یک واقعیت تلخ جامعه بشری آشکار ساخت. از سوی دیگر، این رویداد، نمایانگر فرصتی برای مدنی کردن جهان و ضرورت ایجاد ترتیباتی جدید، با قواعد منصفانه‌تر، برابری جویانه و غیر فرادستانه بین‌المللی بود (کالدور، ۲۰۰۳، ص ۱۴۹). به دنبال این

1. NATO

2. Cruise

3. Pershing

4. Reagan

5. Greenham

6. Carty

7. Onyett

رویداد، سیاست خارجی بوش^۱ تهاجمی‌تر شد و به بهانه مبارزه با تروریسم، عراق و افغانستان را اشغال کرد که به این ترتیب، جنبش‌های ضد جنگ نیز در ابعادی گسترده‌تر از گذشته، در جهت پیشبرد اهداف صلح‌طلبانه و بشردوستانه گسترش یافتند و در بیشتر کشورها، تظاهرات ضد جنگ به راه افتاد. بدون تردید، اینترنت در اشاعه اعتراض‌ها و گزارش حرکت‌های ضد جنگ تأثیر به‌سزایی داشته است.

حادثه یازده سپتامبر، به مثابه یک رویداد تکان‌دهنده عمل کرد و به ائتلاف بین سازمان‌های جنبش‌های جدید و قدیمی سرعت بخشید. بدون تردید اینترنت در این ائتلاف‌ها، تأثیر مهمی داشته است. یکی از این ائتلاف‌ها، ائتلاف «اکنون برای توقف جنگ و نژادگرایی اقدام کنید»^۲ است که مخفف آن به ائتلاف آنسر^۳ شهرت یافت. هدف این ائتلاف، هماهنگ‌سازی اعتراض‌ها علیه جنگ در افغانستان بود. این ائتلاف با استفاده از اینترنت و پست الکترونیک، دعوت هواداران جنبش‌های صلح و عدالت را برای شرکت در راهپیمایی‌های ۲۹ و ۳۰ سپتامبر در پارک لافایت در مقابل کاخ سفید، به اطلاع هواداران صلح رساند. جالب اینکه این ائتلاف، تنها دو هفته پیش از اعتراض‌های برنامه‌ریزی شده، شکل گرفت و وب سایت آن به ستاد مرکزی بسیج اعتراض‌ها علیه جنگ‌طلبی تبدیل شد. ۵۷ درصد از شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که تمایل آنها به شرکت در این راهپیمایی، تحت تأثیر پیام‌های دریافتی از طریق اینترنت بوده است. بیشتر آنها هدف خود را از شرکت در راهپیمایی، اعتراض علیه سیاست خارجی امریکا و مخالفت با بی‌عدالتی جهانی اعلام کرده بودند (واسی^۴، ۲۰۰۶، صص ۱۴۹-۱۴۷).

وب سایتی^۵ نیز از سوی تعدادی از فعالان صلح‌طلب وابسته به جنبش زنان، در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۲ تأسیس شده است. این وب سایت بر نقش زنان در مبارزه برای صلح و نیز اعاده حقوق آنان تمرکز دارد و هدف اولیه آن در زمان تأسیس، مخالفت با جنگ امریکا علیه عراق بوده است. این سایت از طریق اینترنت، موارد نقض حقوق بشر و صلح را افشا کرد و شهروندان را در سطح جهان به نافرمانی علیه جنگ‌طلبی امریکا و هم‌پیمانانش دعوت کرد (همان منبع، صص ۳۶۱-۳۵۹).

1. Bush

2. act now to stop war and end racism

3. ANSER

4. Vasi

5. www.codepink.org

در نتیجه نقش‌آفرینی جنبش‌های اجتماعی صلح‌طلب و هم‌پیمانان آنها و استفاده از اینترنت بود که میلیون‌ها نفر در فوریه ۲۰۰۲، علیه جنگ عراق دست به راهپیمایی دست زدند (ریکریل^۱، ۲۰۰۶، ص ۲۷۲).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، در بخش نخست، چرایی تأثیر اینترنت بر موفقیت‌های جنبش‌های اجتماعی جدید در بسیج اعتراض‌های جهانی، از حیث نظری بررسی شد و برای درک بهتر موضوع، یک مدل پیشنهادی زمینه‌گرا با توجه به متغیرهای کلان، در سطح جامعه شامل میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دموکراسی و بحران‌ها و چالش‌های سیاسی-اجتماعی و همچنین میزان حضور جنبش‌های اجتماعی در محیط اینترنت و ویژگی‌های فردی مانند سن، جنس، تحصیلات و درآمد و در نهایت، تأثیر آنها بر امکان بسیج اعتراض‌های افراد و گروه‌های وابسته به جنبش‌های جدید بحث شد. هدف از طرح این مدل آن بود که نشان داده شود اعتراض‌ها در سطوح ملی و جهانی، در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه متأثر از متغیرهای یاد شده در این مدل هستند. بنابراین، ارائه این مدل برای تأیید نظری چگونگی یا چرایی موفقیت جنبش‌های یاد شده، لازم و ضروری بود.

در بخش دوم، به منظور تأیید مباحث نظری، چند نمونه از جنبش‌های اجتماعی جدید، با صبغه مشترک ضد سرمایه‌داری و ضد جنگ‌افروزی، به اجمال بررسی شدند. جنبش زاپاتیستا و حرکت‌های ائتلافی جنبش‌ها، علیه نشست اعضای سازمان تجارت جهانی در سیاتل و علیه گروه ۸ در ژنو، از مصادیق عینی و آشکاری هستند که در پاسخ به تهاجم‌ها و گسترش جهانی شدن اقتصاد نولیبرالی شکل گرفتند. در هر سه جنبش، اینترنت تا حد قابل توجهی در تشویق هواداران و فعالان به مشارکت در این اعتراض‌ها تأثیرگذار بوده است. این تحلیل و برداشت در مورد نقش اینترنت در جنبش‌های صلح‌طلب و گسترش اعتراض‌ها علیه جنگ‌افروزی امریکا، پس از حادثه یازده سپتامبر نیز درست است.

در مجموع، در تمام جنبش‌های بررسی شده در این نوشتار، نشان داده شد که اینترنت، تا حد زیادی در ایجاد انسجام درون جنبشی بین اعضا و رهبران جنبش، در ایجاد ائتلاف بین جنبش‌ها و کنشگران گوناگون اجتماعی برخوردار از برخی اصول و اهداف مشترک (همچون مخالفت با جهانی شدن اقتصاد نولیبرالی و جنگ‌افروزی) و در نهایت، در گسترش اعتراض‌ها در محیط اینترنتی و محیط عینی و واقعی جوامع تأثیرگذار بوده است. همچنین اینترنت به عمومی و جهانی کردن اعتراض‌های محلی و ملی کمک قابل توجهی کرده است. در این نوشتار، قابلیت‌های اینترنت همچون وب سایت‌ها، فضای اطلاعاتی و انتشار سریع اطلاعات و گزارش‌ها، پست‌های الکترونیک، ارتباطات دوسویه و غیره در موفقیت جنبش‌های اجتماعی یاد شده و گسترش اعتراض‌ها در سطح جهانی، به اجمال توضیح داده شد. در مجموع، با اتکا به شواهد یاد شده، فرضیه‌های تحقیق در خصوص نقش مؤثر اینترنت در پشتیبانی و پیشبرد جنبش‌های اجتماعی تأیید می‌شود.

منابع

- روشه، گی. (۱۳۶۸). *تغییرات اجتماعی* (ترجمه منصور وثوقی). تهران: نی.
- باتامور، تام. (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی سیاسی* (ترجمه منوچهر صبوری کاشانی). تهران: کیهان.
- Atton, C. (2003). Reshaping Social Movement Media for a New Millennium. **Social movement studies**, Vol. 2, No. 1.
- Burch, S. (2002). Latin America Social Movements Take on the Net. **SID on-line Dialogue**, Vol. 45, No. 4.
- Carty, V. & Onyett, T. (2006). Protest, Cyber Activism and New Social Movement Reemergence of the Peace Movement Post 9/11. **Social Movement Studies**, Vol. 5, No. 3.
- Clapping, A. & Nossal, R. (2001). The Internet, Deterritorialization and the Anti - Globalization Movement in Australia. **The Pacific Review**, Vol. 14, No. 3.

- Cleaver, H. (2002). The Zapatista Effect: The Internet and the Rise of an Alternative Political Fabric. Retrieved from <http://www.eco.utexas.edu/hompages/faculty/cleaver>
- Coburn, E.S. (2002). **Ideology, globalization and social movements: Case Study of the Battle in Seattle**, Doctoral Dissertation in sociology, California: Stanford university.
- Dellaporta, D. & Diani, M. (1999). **Social movements: an introduction**, London: Blackwell publishing.
- Dellaporta, D. & Mosca, L. (2005). Global-net for Global Movements? **Journal of Public Policy**, Vol. 25, No. 1.
- Diani, M. (2001). Social Movement Networking. in Frank Webster (ed), **Culture and Politics in Information Age**. London: Rutledge.
- Froehling, O. (1997). The Cyberspace, War of Ink and the Internet in Chiapas. **Geographical Review**, Vol. 87, No. 2.
- Kaldor, M. (2003). **Global civil society**. London: Blackwell publishing.
- Park, A. (2001). **A site of resistance: cyber-Blockade the world trade organization**. Master of arts thesis in sociology, Ontario: York university.
- Rickerill, J. (2006). Radical politics on the Net. **Parliamentary Affairs**, Vol. 59, No. 2.
- Routledge, P. (2000). Governance space and strategy in globalizing resistance. **Geo Journal**, Vol. 52, No. 1.
- Servens, W. (1999). **The internet, Mexico and democratization**. Master's thesis, Nova Scotia: Dalhousie university.
- Smith, P. & Smythe, E. (2003). Globalization, new information technology and the trade policy process: some comparative observations, **Perspective on Global Development and Technology**, Vol. 2, issue 2.

- Tsaliki, L. (2002). Online Forums & the Enlargement of Public space
Research Findings from a European Project. *The Public*, Vol. 9, No. 2.
- Vasi, I. (2006). The new Anti-war protests and miscible mobilizations.
Social Movement Studies, Vol. 5, No. 2.
- Vegh, S. (2003). **Hacking for democracy**. Doctoral dissertation, university
of Maryland.